دیدار مسجدجامعی با استاد علی نصیریان در زادروز ۸۸ سالگی او

رازهایی از همکاری نصیریان با حاتمی و تقوایی

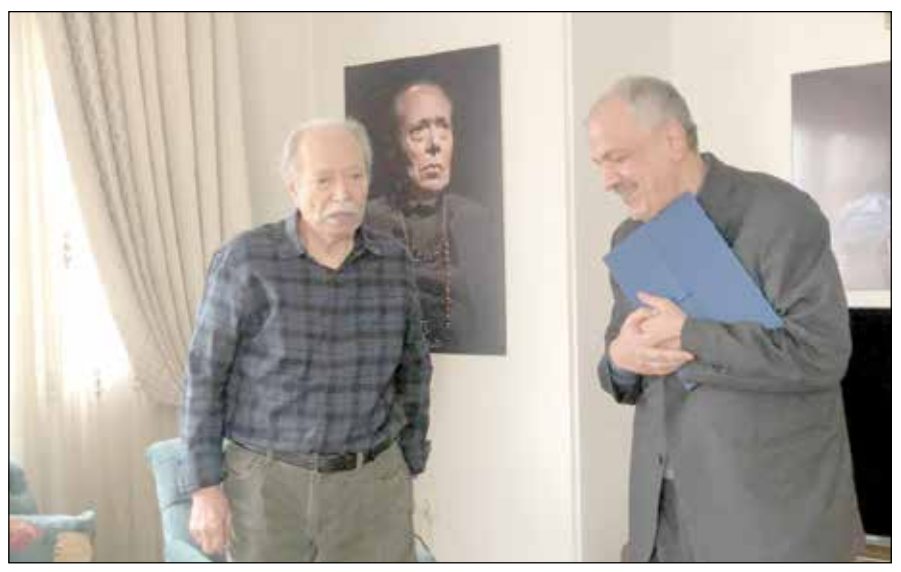

احمد مسجدجامعی، وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت سالروز تولد علی نصیریان و روز پدر به دیدار این هنرمند رفته و یادداشتی را درباره این دیدار و سخنان خود با نصیریان نگاشته است. او در یادداشت خود، این دیدار را چنین شرح داده است:

توفیق یافتم تا به مناسبت زادروز ۸۸ سالگی استاد علی نصیریان و روز پدر به دیدار این پیشکسوت تأتر و سینما بروم. مصاحبت با ایشان برایم بسیار لذت‌بخش است و این دیدار بیش از دو ساعت به طول انجامید. تواضع، ادب، رفتار حرفه ای و ایران دوستی از مشخصه‌های مهم این پیشکسوت هنر ایران زمین است که در وجودش موج می زند. استاد نصیریان در این دیدار نکاتی را بیان کرد که آموزنده است.

او نام‌گذاری اسمش را به علی، از جهت ارادت عمیق قلبی پدرش به علی امیرالمومنین می‌دانست و گفت در باور و اعتقاد پدرم او با این نامگذاری، من را به علی امیرالمومنین سپرد.

استاد علی نصیریان می گوید اثر خوب هنری این نیست که صرفا نویسنده خلاق باشد، بلکه کارگردان هم باید خلاق باشد بازیگر هم خلاق باشد، بیننده نیز خلاق باشد. فیلم ناخداخورشید اثر ناصر تقوایی اقتباس از رمان «داشتن و نداشتن» همینگوی است اما تقوایی آنچنان این را با آداب و رسوم و فرهنگ سرزمین ما آمیخته که کمتر کسی ارتباط این دو اثر را متوجه می‌شود.

سال ۱۳۶۴ در دیدارم با تقوایی، قبل از خواندن فیلمنامه کارگردان به من گفت این شخصیت مستر فرهان «دندان طلا» دارد؛ همین اشاره کارگردان به خلاقیت من کمک کرد تا شخصیت را در خودم پرورش دهم و اجرا کنم.

در سریال هزار دستان ، زنده یاد علی حاتمی به من گفت «ابوالفتح صحاف» شخصیتی «تودار» است و «لهجه ترکی» دارد و مبتلا به «بیماری آسم» است ، این اشارتهای کارگردان را می گرفتم و شخصیت را پرورش می دادم. بازیگری، زایش است و بازیگر، مولف است چون با تصویر کردن و تجسم یک کاراکتر، آن نقش را می آفریند و این کار ساده ای نیست که مقابل هزاران چشم آن را به نمایش بگذارد. بازیگری نوعی عریان کردن روح است، کاری بسیار سخت که به جسارت زیادی نیاز دارد. جزییات جذاب و تک‌تک خاطرات ایشان به کنار. آشنایی او با هنر و ادبیات بیش از آن چیزی است که فکر می‌کنیم. در سخنان او این نکته تأمل برانگیزتر بود: این باور او که یک بازیگر خوب، بدون آشنایی با جزییات ادبیات، هنر و فرهنگ عمومی نمی‌تواند در کار خود موفق باشد. او همین نگاه را به دیگر فعالیت‌های هنری مثل نویسندگی و کارگردانی نیز داشت. نکته‌ی دیگر اینکه او می‌گفت مخاطب در آفریدن اثر هنری سهم دارد و بدون مخاطب و منتقد خوب، فیلم یا تئاتر یا رمان خوب پدید نمی‌آید. استاد نصیریان، مردم را حامیان اصلی هنر می داند و گفت هنرمند ارج و اعتبارش را مدیون مردم است.

موضوع دیگری که در زندگی او چشمگیر و زیبا است اینکه او کاملا سالم و ساده و دور از معاملات رایج مال‌اندوزانه زندگی می‌کند. عمرش دراز و سایه‌اش مستدام.

علی نصیریان:

آثاری که امروز ارائه می‌شود از زمان ما بهتر است

موزه سینمای ایران در ادامه انتشار سلسله برنامه‌های تاریخ شفاهی خود به مناسبت زادروز «علی نصیریان»؛ بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون بخش‌هایی از گفتگوی این بازیگر را منتشر کرده است.

به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی موزه سینما، علی نصیریان با بیان اینکه بیشترین کارهایی که انجام داده با صداقت و انگیزه بوده است، گفت: در سینما کار کردن یک ریسک است و در عین حال که ممکن است فیلمنامه و کارگردانی خوب باشد اما تا کار به انتها نرسد مشخص نیست نتیجه کار چه چیزی می‌شود.

وی ادامه داد: در اکثر فیلم‌هایی که به خاطر متن و تا حدودی به خاطر کارگردان حضور داشتم معمولا با آنها در مورد نقش مشورت می‌کردم. یادم می‌آید ناصر تقوایی برای فیلم ناخداخورشید به من گفت دو شخصیت در فیلمنامه وجود دارد که می‌توانم آنها را بازی کنم یکی مستر فرحان و دیگری ناخدا که من از او پرسیدم خود شما کدام را برای من پیشنهاد میدهید و او گفت به نظرم مستر فرحان برای شما بهتر است و من در پاسخ به او گفتم همان نقشی که شما می‌گویید را بازی می کنم.

نصیریان درباره نسل جوان علاقمند به حضور در سینما و تئاتر نیز بیان داشت: نسل جوان را دوست دارم و معتقدم در سینما و تئاتر استعدادهای بسیار خوبی داریم . مخصوصا در تئاتر که بازیگرها و نویسنده‌های خوبی درخشیدند همچنین در سینما. سینمای ایران بسیار رشد کرده است و آثاری که امروز ارائه می‌شود از زمان ما بهتر است زیرا ارتباط جمعی بسیار بیشتر شده است و با یک کلیک همه نوع اطلاعات لازم در اختیار بازیگران و غیره قرار می‌گیرد. در زمان ما بیشتر کتاب موجود بود و ما از کتاب های تخصصی الهام می گرفتیم اما امروز اوضاع بسیار متفاوت تر شده است.

وی ادامه داد: ما با دل و جان کار می‌کردیم اما دستمان خالی بود درحالیکه بازیگران امروز دستشان پر است البته منظورم از دست پر از نظر مالی نیست بلکه از نظر اطلاعات است. نصیریان در پاسخ به این سوال که چرا در طول سال‌هایی که در سینما فعالیت داشته با مسعود کیمیایی کار نکرده است؟ پاسخ داد: عمدی نبوده موقعیت آن پیش نیامده هم با مسعود کیمیایی و هم با بهرام بیضایی.

وی با بیان اینکه در بازیگری اعتقاداتی دارد، بیان داشت: من در ایفای نقش‌ها به انگیزه‌هایم همچنین حس خلاقانه و آفرینندگی که احساس می‌کنم، رجوع می‌کنم زیرا معتقدم بازیگر خودش نویسنده یک فیلم است و وسیله و اسباب دست کارگردان نیست. درست است که باید با کارگردان تعامل داشته باشد و به برداشت ها و نگاه‌هایی که به کارکتر دارد گوش کند اما آفریننده نقش بازیگر است و اگر بخواهیم به مرحله آفریننده نقش برسیم، بازیگر باید از قدرت خلاقانه‌ای که در درونش وجود دارد یاری بطلبد و نقش را بیافریند.

مسن‌ترین بازیگر مرد ایران خیلی جدی شما را می‌خنداند!

می‌گویند پیرترین بازیگر ایران است. به روایتی او با ۱۰۲ سال سن پس از «برنکا وسلیونیک» ۱۰۴ ساله، مسن‌ترین بازیگر جهان هم محسوب می‌شود. چهره‌اش جدی اما دوست‌داشتنی است. اردشیر کاظمی از هنرمندان پیشکسوت حوزه سینما، تئاتر و تلویزیون زاده ۱۸ شهریور ۱۲۹۹ در بندر انزلی است.

خبرنگار ایسنا برای تبریک «روز پدر» اردشیر کاظمی را به‌عنوان پیرترین بازیگر نقش پدر در آثار نمایشی ایران انتخاب کرد.

همیشه نقش‌های کوتاه و ساکت با دیالوگ های کم به او سپرده شده است. پدر، پدربزرگ یا صاحبخانه خیلی جدی، ساکت اما تاثیرگذار و همراه با طنزی خاص و مستتر در نگاه و کلامش. کاظمی با صورت صامت و نگاه‌های شیرینش همیشه مورد توجه قرار گرفته است. به‌ندرت می‌توان خنده‌اش را دید. تنها سکانسی که لبخند محوی بر لبانش دیده می‌شود و به حالت شادی دیده شده، مربوط به سریال «دودکش» با بازی بهنام تشکر و هومن برق نورد است که در آن هم با جدیت هرچه تمام‌تر می‌رقصد!

«یادداشت‌های کودکی» جزو اولین کارهای اردشیر کاظمی در تلویزیون بود که در سال ۸۰ به حرفه بازیگری پیوست و پس از آن بود که در سیلی از کارهای کمدی مقابل دوربین رفت. «خانه پدری»، «من یک مستاجرم»، «دفترخانه شماره ۱۳»، «نون و ریحون»، «عید امسال»، «خوش‌نشین‌ها»، «راه در رو»، «دزد و پلیس»، «پایتخت۲»، «معراجی‌ها»، «لیسانسه‌ها»، «پژمان» و «دودکش» از جمله آثار تلویزیونی این هنرمند پیشکسوت است.

مجموعه تلویزیونی «زیر یک سقف» به کارگردانی سید حامد تهرانی آخرین همکاری اردشیر کاظمی با تلویزیون است؛ سریالی کمدی که در دو سه ماه اخیر از شبکه نسیم به روی آنتن رفت.

برای با خبر شدن از حال این هنرمند با بسیاری از کارگردان‌ها و هنرمندان که کار مشترکی با او داشتند تماس گرفتیم.

حامد تهرانی، کارگردان سریال «زیر یک سقف» به ایسنا اعلام کرد که این مجموعه تلویزیونی متعلق به سال ۹۸ بوده و بعد از آن اردشیر کاظمی فعالیت‌های هنری دیگری داشته است. با این حال بعد از «زیر یک سقف» خبری از حال وی ندارد.

«موچین»، «نهنگ آبی» و «شاهگوش» از دیگر فعالیت‌های تلویزیونی اردشیر کاظمی در شبکه نمایش خانگی است.

کاظمی تله‌فیلم‌هایی همچون خاطرات فردا، بمانی هفتم، بازی، نارمک، کباب غاز و انتخاب موفق را هم در کارنامه کاری‌اش دارد.

اردشیر کاظمی طی چند سال اخیر علاوه بر بازیگری، در یکی از تیزرهای تبلیغاتی شرکت کرد و توانست با کمترین دیالوگ مورد توجه قرار بگیرد. دیالوگ معروف «همه‌شو بده!» از اردشیر کاظمی به واسطه همین تبلیغ مدتی بر سر زبان‌ها افتاد.

لیلا عاج:

فیلم «سرهنگ ثریا» می‌تواند مانع سفیدسازی فرقه رجوی شود

نشست پرسش و پاسخ فیلم سینمایی «سرهنگ ثریا» به کارگردانی لیلا عاج پس از نمایش این فیلم در سینمای رسانه (پردیس سینمایی ملت) با حضور کارگردان، جلیل شعبانی (تهیه‌کننده) و دیگر عوامل این فیلم برگزار شد.

به گزارش ایلنا، در ابتدای این نشست لیلا عاج اظهار داشت: سال ۹۹ برای چاپ کتابی به مرکز هنرهای نمایشی دعوت شده بودم و آنجا با مطالب بسیاری درباره منافقین روبرو شدم، خودم اهل گیلان غرب هستم، پدربزرگ من در عملیات مرصاد گم شده بود و همیشه به این خاطره کودکی فکر میکردم که آن بنویسم و همینجور که درباره سازمان منافقان جستجو میکردم عکسی دیدم که یک مادر را کنار سیم خاردار نشان میداد و برایم خیلی جذاب بود که مراحل تحقیقات را پیش رفتیم، با خانم ثریا عبدالهی معاشرت داشتم و با زنانی که درگیر این ماجرا بودند صحبت کردم و سرهنگ ثریا شکل گرفت.

عاج در ادامه در پاسخ به پرسشی درباره جهانی بودن موضوع گفت: وقتی کلیدواژه شما مادر، انتظار و فرزند است سه کلیدواژه جهانی هستند پ به زعم خودم معتقدم که اثری با این سه کلیدواژه قطعا می‌تواند اثری جهانی باشد.

شعبانی خاطرنشان کرد: وقتی درباره فیلمنامه صحبت میکردیم بحثمان این بود که این ماجرا می‌تواند در همه جای دنیا رخ دهد و به نظرم این موضوع کاملا جهانی است.

عاج در ادامه درباره زاویه دید دوربین که در جهت مادران و خانواده‌های منتظر بود، گفت: از اول قصد ما این بود که دوربین این سوی سیم‌خاردارهای اشرف باشد چرا که قصه، قصه مادران و این خانواده‌ها بود.

وی درباره همکاری با سازمان هنری اوج گفت: همه چیز دست خدا است و موفق بودن اثر ربطی به هیچ چیز دیگری ندارد.

بهزاد عبدی نیز در بخش دیگری از این نشست گفت: برای خلق یک اثر هنری طبیعتا تلاش میکنیم به روح آن اثر نزدیک شویم. من مستندهای زیادی دیدم و سرودهای مختلفی هم شنیدم. من دو جور کار کرده بودم و با هدایت خانم عاج مسیر را عوض کردم و تحلیل خانم عاج هم کاملا دقیق و خوب بود.

عاج در ادامه گفت: من امروز میزبان خانواده‌هایی هستم که وقتی فیلم را می‌دیدند چشمانشان خیس بود. من روزها مهمان خانم عبدالهی بودم و امروز میزبان ایشان و دیگر مادران کمپ آزادی هستم. من یک گروه بسیار درجه یک داشتم و واقعا از همه آنها متشکر هستم.

وی افزود: من از مستندهای مربوط به ماجراهای این فیلم تاثیری نگرفتم چرا که اشک و آه مادران به اندازه کافی به من درام می‌داد.

این کارگردان در ادامه درباره ضرورت ساخت این اثر گفت: احساس نیازش همان وجود درام است. من فکر می‌کنم سازمان منافقان امروز در تلاش است سفیدسازی کند و ما در روزگار ملتهب امروز کارهای آنها را فراموش خواهیم کرد. این فیلم می‌تواند حداقل در این حد که سفیدسازی منافقان را از بین ببرد کارکرد داشته باشد.

بابک پناهی در ادامه ما به این نتیجه رسیدیم که پادگان اشرف دقیقا همان پادگان باشد. متاسفانه من امکان این را نداشتم که به این پادگان بروم و عکس بگیرم و لوکیشن از طریق فیلم‌ها شکل گرفت. اگر میخواستیم مثل همان واقعیت را در کمپ ثریا داشته باشیم به کار فیلم نمی‌آمد و در این مورد ما تغییراتی داشتیم و فاصله بین کمپ ثریا و اشرف را به هم نزدیک‌تر کردیم به طوریکه در واقعیت اینگونه نیست.

این فیلم را بعد از اینکه فیلمنامه را خواندیم و با خانم عاج صحبت کردیم سعی کردیم که کاراکترها همان آدمهای واقعی باشند. تلاشمان بر این بود و بغ خانم عاج به نتایجی رسیدیم که اجرایشان کردیم. با خانم عاج فیلم‌های زیادی دیدیم و نسبت به لوکیشن و اقتضای فیلم یک سری چیزها را تغییر دادیم اما سعی کردیم به واقعیت نزدیک باشیم.

فیلمنامه این اثر برای من خیلی جذاب بود. با خانم عاج صحبت کردیم، ایشان دغدغه صدا داشتند و لازم بود ما به لحاظ صوتی یک جنگ داشته باشیم و شاید صدای بلندگوها در برخی موارد آزاردهنده باشد اما این تعمدی بود.

در ادامه ثریا عبدالهی (فردی که فیلم سرهنگ ثریا ماجرای زندگی او را روایت می‌کند) با حضور بر روی صحنه اظهار داشت: همانطور که فیلم نشان داد من مادر امیراصلان حسن‌زاده هستم و از سال ۸۱ از سازمان منافقین ربوده شد و این عکس را از سیمای مجاهدین گرفتم و ۲۱ سال است که فرزندم را ندیده‌ام. ما حدود ۴سال در کمپ بودیم و من همه فیلم‌ها را در خدمت خانم عاج قرار دادم و واقعا افراد زیادی هستند که سالهاست فرزندانشان را سالهاست که ندیده‌اند. از خانم صامتی هم تشکر میکنم که واقعا این نقش را عالی بازی کرده‌اند. دردهای خانواده‌ها یازده سال است که در خفا مانده است. من از طریق انجمن نجات عازم عراق شدم، به آنجا رفتیم و فکر می‌کردم فقط من به آنجا میروم ولی وقتی به مرز رفتم دیدم مادران و پدران بسیاری هستند که این شرایط را دارند ولی آنها اجازه ندادند ما فرزندانمان را ببینیم و صدایمان به درون کمپ اشرف برود و فرزندانمان صدایمان را بشنوند. واقعا همان چیزی در این فیلم خلق شده که ما آنجا تجربه کردیم.

عاج نیز در پایان گفت: خانم صامتی اولین و آخرین گزینه من بود و بازی ایشان واقعا فوق‌العاده بود و نه تنها بازیگر خوبی هستند بلکه انسان فوق‌العاده‌ای هم هستند.

قصه‌های زنانه و مادرانه برایم جذاب‌تر از قصه‌های سیاسی هستند

لیلا عاج کارگردان فیلم سینمایی «سرهنگ ثریا» همچنین در گفتگو با خبرنگار ایلنا، درباره نگاهش به موضوع این فیلم و کمرنگ کردن سیاست در قصه کلی و دنبال کردن دغدغه‌های انسانی گفت: راستش من بلد نیستم که قصه سیاسی تعریف کنم و بیشتر قصه مادرانه و زنانه برایم جذابتر است. در واقع آدم کاری انجام می‌دهد که بلد است و منظور من این نیست که این قصه‌ها به قصه‌های سیاسی ارجحیت دارند چه بسا این قصه‌های ملتهب شاید جذابتر باشند ولی من در ساخت این فیلم بیش از هر چیز هدفم این بود قصه‌ای تعریف کنم و کاری انجام دهم که می‌توانم از پس آن بر بیایم.

عاج درباره اهمیت پرداختن به موضوعاتی چون جنایت‌های گروه منافقین گفت: فرآیند تولید یک فیلم بسیار پیچیده است، در قدم اول ممکن است یک سوژه برای شما جذاب باشد تا اینکه سرمایه‌گذار پیدا کنید و وارد مرحله پیش‌تولید و بعد تولید شوید ممکن است بیشتر از دو سال زمان طی شود. بنابراین از آنجا که آدم نمی‌داند در آینده چه اتفاقی رخ خواهد داد، وقتی فیلم را می‌ساختم کشور ما شرایط دیگری داشت و امروز شرایط دیگری دارد. حتی ممکن است شما روی یک سوژه کار کنید و شش ماه بعد آن سوژه سر و شکل دیگری پیدا کند.

وی افزود: اینکه یک فیلم به لحاظ مضمونی اهمیتی در یک دوره داشته باشد و بعد در زمان اکران آن موضوع چندان با اهمیت نباشد، مسئله‌ای است که از اختیار من خارج است و باید بگویم برای یک کارگردان هم ممکن است اهمیت چندانی نداشته باشد چون اگر این موضوع اهمیت زیادی داشته باشد باید بگوییم فیلم «در جبهه غرب خبری نیست» امروز چه ضرورتی دارد؟ به نظرم این یک قصه است و «سرهنگ ثریا» هم یک قصه دارد و یک روایت مادرانه عاطفی دارد و ما فیلم‌هایی درباره مادران در سینمای ایران بسیار دیده‌ایم و این هم یک جنس و حس دیگری از مادر ایرانی است.

عاج در پاسخ به این پرسش که چه ارتباطی در جهان‌بینی او در عرصه تئاتر که همواره به قشر کارگر پرداخته با اثر سینمایی‌اش «سرهنگ ثریا» وجود دارد، گفت: امیدوارم خدا به من کمک کند و بتوانم فیلمی درباره قشر کارگر بسازم چرا که چنین هدفی دارم. جهان کارگران و زندگی کارگری برای من همیشه جذاب بوده اما این به این معنا نیست که بگویم من پرچم‌دار تئاتر کارگری هستم بلکه دلیل علاقه‌ام به تجربه زیستی‌ام مربوط می‌شود و اصطلاحاً من بچه کارگر هستم و واقعاً نمی‌دانم به کسی که با پیش‌زمینه تئاتری من به دیدن «سرهنگ ثریا» می‌آید چه باید بگویم اما «سرهنگ ثریا» برای من تجربه بزرگی بود اما کوچ از تئاتر برای واقعاً سخت بود و امیدوار بودم که نتیجه ساخت این فیلم آبرومند شود و کسی نگوید که یک تئاتری به سینما آمد و نتوانست فیلمی باکیفیت بسازد.

این کارگردان درباره ارتباط گرفتن مخاطب خارجی با فیلم «سرهنگ ثریا» و عدم ارائه توضیحات کافی درباره سازمان منافقین در این فیلم گفت: اگر مخاطب خارجی باهوشی به سراغ این فیلم بیاید می‌تواند در اینترنت جستجو کند و با مسئله گروه منافقین آشنا شود. من در دیالوگ‌نویسی هم این چالش را داشتم، دلم نمی‌خواست دیالوگ‌های عادی بنویسم، مثلا ثریا بگوید که «ما خسته شده‌ایم و از پا افتاده‌ایم»؛ دلم می‌خواست به جای این جمله بگوید «درخت شکسته تبرزن زیاد پیدا می‌کند». دلم می‌خواست گفتگو در این فیلم از عقبه تئاتری من بیاید و عادی نباشد؛ مثلا بگوید که «اشرف دریا نیست، اشرف مرداب است». من سعی کردم یک استعاره‌ای هم در زبان داشته باشم اما به هر حال تجربه اولم است و ممکن است که نظرم بعدها عوض شود. به همین نسبت نمی‌خواستم بسته‌های اطلاعاتی‌ام را به سادگی در دیالوگ ارائه دهم. به هر حال مخاطبی که به دیدن «سرهنگ ثریا» می‌آید اگر چیزی از قصه شنیده باشد می‌تواند قبل از دیدن آن درباره اردوگاه اشرف در اینترنت تحقیق کوچکی کند و آنقدر مطلب درباره اردوگاه اشرف وجود دارد که اطلاعات لازم برای همراهی بیشتر با قصه «سرهنگ ثریا» را به راحتی به دست بیاورد. بیش از هر چیز آنچه که اهمیت دارد این است که مخاطب با این مادر ارتباط حسی پیدا کند و بتواند آن را باور کند.

وی افزود: من یک آنتاگونیست و پروتاگونیست در این فیلم تعریف کرده‌ام که هر دو جمعی هستند، به هر حال من در کپشن توضیح دادم که ثریا همچنان منتظر پسرش است ولی وقتی در مورد ثریا می‌گویم این انتظار به وجود می‌آید که درباره آن‌ها هم بگویم و به همین دلیل در سکانس آخر دوربین را به سمت مقابل بردم و منافقین را هم نشان دادم. عاج در پایان درباره واقعی بودن دیگر کاراکترهای فیلم غیر از کاراکتر اصلی گفت: دیگر کاراکترها واقعی نیستند، من با خانواده‌های زیادی صحبت کردم، افرادی که برادر یا همسرشان در کمپ اشرف هستند، من صداهای زیادی از افرادی دارم که از شهرهای مختلف هستند عزیزانشان گرفتار کمپ اشرف شده‌اند.

اخبار کوتاه

«جعفر پناهی» آزاد شد

روابط عمومی کانون کارگردانان سینمای ایران بعدازظهر ۱۴ بهمن ماه، در متنی این خبر را اعلام کرد و نوشت: جعفر پناهی پس از نزدیک به هفت ماه به قید وثیقه از زندان اوین آزاد شد. این روابط عمومی همچنین مدعی شد، ۱۰۶ روز پیش حکم اعاده دادرسی پناهی در دیوان عالی پذیرفته شده ولی به رغم صراحت قانون او از زندان آزاد نشده بود. تعدادی از سینماگران همچون محمدرسول اف، مجتبی میرتهماسب، محسن امیریوسفی، مهدی کوهیان (نماینده خانه سینما)، مجید برزگر و فاطمه معتمدآریا امروز برای پیگیری آزادی پناهی مقابل زندان اوین رفته بودند و همسر این سینماگر طاهره سعیدی نیز حضور داشت. کانون کارگردانان سینمای ایران همچنین در این متن از همه کسانی که در این مدت برای آزادی جعفر پناهی تلاش کردند، سپاسگذاری کرد.

همدردی رضا صادقی با مردم خوی در «شانس آخر»

رضا صادقی قطعه موسیقی «شانس آخر» را برای قدردانی از همراهی مردم با فراخوان «لبخند ۳»؛ کمک به مردم زلزله‌زده شهر خوی منتشر کرد. به گزارش ایرنا، رضا صادقی خواننده موسیقی پاپ قطعه «شانس آخر» را برای قدردانی از همراهی مردم با فراخوان «لبخند ۳»؛ کمک به مردم زلزله‌زده شهر خوی منتشر کرد. این قطعه موسیقی با ترانه‌ای از محمد مبارکی، آهنگسازی مهدی منافی، نوازندگی گیتار فرید سناور، تنظیم، میکس و مسترینگ مجید ملوندی و ادیت محمد نامی منتشر شده است. محمد آینه‌چی مدیر تولید و تبلیغات و معین بلزا کارگردان این قطعه موسیقی هستند. صادقی پیش از این در صفحه شخصی خود در فضای مجازی از فراخوان «رنگ لبخند ۳» برای همراهی و کمک به مردم زلزله‌زده شهر خوی خبر داده بود. وی همچنین اعلام کرد که ۲۵ بهمن کنسرتی را در تهران برای کمک به مردم زلزله‌زده شهر خوی برگزار می‌کند و تمام درآمد کنسرت برای تهیه ملزومات مردم این شهر هزینه خواهد شد. صادقی سال‌های گذشته نیز فراخوان‌هایی را با عنوان «لبخند یک» و «لبخند ۲» در پی بلایای طبیعی در استان‌های خوزستان، شیراز، لرستان، گلستان، سیستان و بلوچستان و جاسک برای همدردی با مردم این مناطق منتشر کرده بود. زمین لرزه‌ای به بزرگی ۵.۹ درجه در مقیاس امواج درونی زمین (ریشتر) ساعت ۲۱:۴۴ شنبه، هشتم بهمن شهر خوی در آذربایجان غربی را لرزاند که طبق اولین گزارش‌ها، خسارت، مصدومان و به ویژه قدرت آن بیش از زمین لرزه ۲۸ دی، ۱۳ مهر امسال و حتی اسفند سال ۱۳۹۸ این منطقه بود. زلزله هشتم بهمن شهر خوی، بیش از هزار مصدوم و سه نفر فوتی داشته است.

بازیگر فیلم «پرونده باز است»:

هنر زندگی یعنی در اوج مصیبت به اخلاق پایبند باشیم

بازیگر فیلم «پرونده باز است» گفت: حلقه مفقوده جهان و هنر زندگی ما این است که بتوانیم در زمان مصیبت و سختی و درد دقیقا در بزنگاه‌های زندگی، به اخلاق و انسانیت پایبند باشیم. شادی مختاری بازیگر فیلم «پرونده باز است» پیش از آن که بازیگری را تجربه کند روزنامه‌نگار بوده است. او از ایفای نقش خود در فیلم می‌گوید و معتقد است که با وجود آن که قبلا روزنامه نگار بوده، اما دغدغه اصلی اش سینما است. وی در گفت‌وگو با ایرنا اظهار داشت: نقش‌هایی که بازی کردم اصلا شبیه دوران روزنامه‌نگاری خودم نبودند، سعی کردم متفاوت باشم. البته برای ارزیابی نظرات باید مقداری بگذرد تا بتوانم دیدگاه مخاطبان فیلم را هم ارزیابی کنم، تازه روز سوم جشنواره قرار داریم. مختاری بیان کرد: مهمترین چیزی که برای خودم در قالب شخصیت داستانی که بازی کردم نگاه انسانی به جهان و وقایع آن بود. فارغ از شغلی که شخصیت داستان دارد که همزمان با غم و مصیبتی که دچار شده به مرور دغدغه انسانی به آن غم غلبه کرد، این درس اخلاقی برای خودم هم بسیار مهم بود. مختاری گفت: حلقه مفقوده جهان و هنر زندگی ما این است که بتوانیم در زمانی که دچار مصیبت می شویم دقیقا در بزنگاه‌های زندگی به اخلاق و انسانیت پایبند باشیم. این فیلم به من یاد داد که اگر خودم در شرایطی بودم که آسیب یا مصیبت دیدم به اخلاق متعهد باشم و تحت تاثیر غم و درد، روی همه چیز چشمانم را نبندم و با جهان‌بینی درست و موشکافانه در لحظات سخت تصمیمات انسانی‌تر بگیرم. بازیگر فیلم پرونده باز است خاطرنشان کرد: اگر چه در سن کم تجربه روزنامه‌نگاری داشتم، اما دغدغه اصلی من سینما بود. نه به خاطر حالا حواشی جذاب آن به خاطر رسالت و و تاثیرگذاری آن به این حوزه علاقه دارم. وقتی در روزنامه هم بودم این فرهنگی و تاثیرگذاری و آموزش برای من مهم بود. سینما جایگاهی است که انسان‌ها می‌توانند تاثیرگذارتر دغدغه ها را مطرح کنند، فرهنگ‌سازی کنند و آموزش بدهند. مختاری گفت: خود حرفه بازیگری و صنعت سینما برای من جذاب است، الگوی خاصی در سینما ندارم سعی می‌کنم از خودم دور نشوم، انتخاب الگو باعث از دور شدن از خودم می‌شود. امیدوارم توانسته باشیم پیام انسانی به جامعه رسانده باشیم تا کارکرد خود را داشته باشد.

عضویت رایگان در کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان

کودکان و نوجوانان ایرانی هم‌زمان با چهل و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی می‌توانند به‌صورت رایگان به عضویت مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان درآیند. به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون پرورش کودکان و نوجوانان، تعداد مراکز فرهنگی هنری ثابت، سیار شهری و روستایی و کتابخانه‌های سیار کانون در پهنه ایران به حدود هزار مرکز می‌رسد که این مراکز دارای بیش از ۳۰۰ هزار عضو است. بر این اساس و به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی کودکان و نوجوانان ۶ تا ۱۸ ساله تا پایان ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ فرصت دارند به پایگاه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مراجعه و در یکی از این مراکز، ثبت‌نام و از فعالیت‌های عمومی کانون در طول سال استفاده کنند. ۴۳ مرکز کانون پرورش فکری نیز با عنوان فراگیر، پذیرای کودکان و نوجوانان دارای نیازهای ویژه است. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مسئولیت کمیته کودک و نوجوان ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی را بر عهده دارد.

تجلیل از برگزیدگان جشنواره شعر

آیین اختتامیه هفدهمین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر ۱۴ بهمن ۱۴۰۱ در مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما، سالن خواجه نصیر برگزارشد. در این آیین محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، یاسر احمدوند معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی رمضانی مدیرعامل موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران، رضا اسماعیلی دبیر علمی هفدهمین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر و مدیران و مسئولان فرهنگی کشور و جمعی از شاعران و پژوهشگران برجسته داخلی و خارجی حضور داشتند. هیات داوران این دوره رضا اسماعیلی، حسین اسرافیلی، علیرضا قزوه، جواد محقق، حجت‌الاسلام والمسلمین محمد حسین انصاری نژاد، نغمه مستشار نظامی، حمید هنرجو، مصطفی محدثی خراسانی و علی داودی بودند. دبیر علمی هفدهمین دوره جشنواره شعر فجر در بخشی از بیانیه هیات داوران گفت: در هفدهمین دوره شعر فجر ۳۱۲۵ کتاب چاپ اول سال ۱۴۰۰ در پنج بخش مورد ارزیابی و داوری قرار گرفت. در ارزیابی کلی سطح کمی آثار از رشد ۲۰ درصدی برخوردار بوده است و همچنین بخش پژوهش در این دوره جهش معناداری داشته است. از نظر کیفی خلاقیت‌های فرمی و زبانی در شعر شاعران جوان قابل بررسی است.